

عزت‌مندی در انقلاب عاشورا و انقلاب اسلامی

حجت‌الاسلام والمسلمین علیرضا انصاری*

اشاره

عزت‌بخشی و عزت‌آفرینی، از مهم‌ترین اهداف بلند انبیا و جانشینان آنان است و عبارت معروف «هیئات منا الذله» امام حسین علیه السلام در تارک این پرچم پر افتخار می‌درخشد. انقلاب اسلامی با الهام از اندیشه «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» شکل گرفت و جامعه عزتمند حسینی را به نمایش گذاشت. امام خمینی رحمه الله انقلاب اسلامی را به عنوان پرتوی از عاشورا^۱ معرفی کرده و مانند امام حسین علیه السلام فریاد برآورد:

هیئات که امت محمد صلی الله علیه و آله و سیراب‌شدگان کوثر عاشورا و منتظران وراثت صالحان، به مرگ ذلت‌بار و به اسارت غرب و شرق تن در دهند و هیئات که خمینی، در برابر تجاوز دیوسیرتان و مشرکان و کافران به حریم قرآن کریم و عترت رسول‌خدا و امت محمد صلی الله علیه و آله ...

* نویسنده و پژوهشگر.

۱. سید روح الله موسوی خمینی؛ صحیفه امام؛ ج ۱۸، ص ۲۲.

ساکت بماند و یا نظاره‌گر صحنه‌های ذلت و حقارت مسلمانان باشد.^۱

الف) واژه‌شناسی

۱. عزت

عِزَّتْ مقابلِ ذِلَّتْ، به معنای سربلندی، سرافرازی و گرامی شدن،^۲ عظمت، بزرگواری و ارجمندی است^۳ که از «أَرْضٌ عَزَازٌ» به معنای زمین محکم و نفوذناپذیر گرفته شده است. عزت حالتی است که انسان را از مغلوب شدن باز می‌دارد.^۴ در قرآن نیز واژه «عزت» به همان معنای لغوی به کار رفته و منظور از آن در اینجا، عزت فردی و عزت اجتماعی است.

۲. جامعه عزتمند

عاشورا درس زیست عزتمندانه برای همه انسان‌هاست، زیرا فریاد «هَيْهَاتَ مِنَّا الذِّلَّةُ» ابی‌عبدالله علیه‌السلام پیامی برای همهٔ عصرهاست. امام حسین علیه‌السلام به همگان آموخت در جامعه‌ای که دین، ارزش و رهبر عادل، حاکم نباشد؛ مرگ در آن، بهتر از زندگی است: «لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَلَا الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرْمًا».^۵

۱. همان، ج ۲۰، ص ۳۱۸.

۲. محمد معین؛ فرهنگ فارسی معین؛ ج ۲، ص ۲۲۹۸.

۳. علی اکبر دهخدا؛ لغت‌نامه؛ ج ۱۰، ص ۱۳۹۸۹.

۴. حسین بن محمد راغب اصفهانی؛ مفردات الفاظ قرآن کریم؛ ص ۵۶۳.

۵. ابن شعبه حرانی؛ تحف العقول؛ ص ۲۴۵.

هنگام حرکت امام از مکه به سوی مدینه محمد بن حنفیه که از قصد امام علیه السلام آگاه شد به گفت‌وگو با حضرت پرداخت. براساس برخی نقل‌ها، وی از امام حسین علیه السلام خواست تا می‌تواند در بیعت با یزید کوتاهی کند و در این فرصت نمایندگان به شهرهای مختلف بفرستد، اگر توفیقی به دست آورد، اقدام کند؛ در غیر این صورت با ماندن در مدینه مشکلی برای او پیش نخواهد آمد.

امام حسین علیه السلام در باره پیشنهاد محمد حنفیه، مبنی نرفتن به سوی کوفه فرمود: «يَا أَخِي وَاللَّهِ لَوْ لَمْ يَكُنْ مَلْجَأٌ وَلَا مَأْوَى لَمَا بَايَعْتُ يَزِيدَ بْنَ مُعَاوِيَةَ»^۱، برادر به خدا قسم اگر هیچ پناگاه و مسکنی نباشد، هرگز دست بیعت با یزید نخواهم داد. اکنون که دیده هیچ نبیند به غیر ظلم

باید ز جان گذشت، کزین زندگی چه سود؟^۲

امام حسین علیه السلام درصدد ایجاد جامعه عزتمند بود؛ اگر چه در ظاهر موفق به تشکیل آن نشد، اما شاخصه‌های جامعه عزتمند، مانند فرهنگ ستم‌ستیزی را نهادینه کرد. از این رو بود که فرمود: «وَإِنْ تَغْلِبَ فَغَيْرُ مُغْلِبِينَ»^۳ و اگر شکست بخوریم [و کشته شویم] شکست نخورده‌ایم که ما را شکستی نیست».

بنابراین جامعه عزتمند اسلامی، جامعه‌ای متشکل از خداباوری، اسلام‌محوری، ارزش‌مداری، استقلال، عزت، عدالت و کرامت انسانی

۱. محمد باقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۴۴، ص ۳۳۰.

۲. محمود اکبرزاده؛ حسین علیه السلام پیشوای انسان‌ها؛ ص ۲۷.

۳. ابن نما حلی؛ مشیر الأحرار؛ ص ۵۵.

است که در آن، عزت اصلی از آن خداست: «فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا»^۱ و عزت رسول خدا ﷺ و مؤمنان، ریشه در عزت خدا دارد: «وَاللَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ»^۲. از دیگر شاخصه‌های این جامعه، نهراسیدن مردم از دشمنان‌شان و مرگ است؛ زیرا دل‌هایشان به قدرت خدا و وجود رسول اکرم ﷺ و مؤمنان گرم است. مؤمن پیوسته سازش‌ناپذیر است و در همه شرایط، عزت خود را حفظ می‌کند و مرگ را بر ذلت ترجیح می‌دهد؛ زیرا این راه و رسم را از اهل بیت پیامبر ﷺ آموخته است که هیچ‌گاه تن به ذلت نداده‌اند؛ چنانکه رسول خدا ﷺ فرمود: «وَمَنْ أَقَرَّ بِالذُّلِّ طَائِعًا فَلَيْسَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ»^۳ هر که پذیرای ذلت شود، از خاندان ما نیست».

یکی از افسران مأمور اجرای اعدام شهید صفوی گفته است:

نواب صفوی با کرامت و بزرگواری خود، احترامش را به من تحمیل کرد. من هنوز هم هر گاه صدای آژیر آمبولانس‌ها را می‌شنوم، بدنم می‌لرزد و به یاد شب شهادت نواب می‌افتم که نواب با عشق و سوز و صلابت خاصی به یارانش می‌گفت: خلیلم، مظفرم، محمدم عجله کنید، غسل شهادت کنید. جدهام حضرت زهرا ی مرضیه ع منتظر ماست.^۴

۱. نساء: ۱۳۹.

۲. بقره: ۲۰۹.

۳. ابن شعبه حرانی؛ تحف العقول؛ ص ۵۸.

۴. عبدالکریم پاک‌نیا؛ «نواب صفوی، آذرخشی در ظلمت»؛ مجله مبلغان، دی و بهمن

۱۳۸۲، شماره ۴۹.

جامعه عزتمند ایران اسلامی، یک مصداق از عزتمندی جامعه حسینی است؛ جامعه‌ای که امام خمینی علیه السلام با شعار احیای هویت اسلامی و سربلندی ایران اسلامی قیام نمود تا بتواند عزت از دست رفته ایران را احیا کند. اکنون مقام معظم رهبری، مسیر عزت نظام اسلامی را با شجاعت ادامه داده و انقلاب اسلامی را اینگونه توصیف کرده است: «تنها انقلابی است که یک چله پُر افتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و از کرامت خود و اصالت شعارهایش، صیانت کرده و اینک وارد دومین مرحله خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است».^۱

ب) راهکارهای حفظ جامعه عزتمند

حال این سؤال مطرح می‌شود که چگونه می‌توان عزتمندی جامعه را حفظ کرد؟ در این خصوص راهکارهای متعددی وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱. عزت‌خواهی الهی

در جامعه مؤمنانه، مؤمن هرگز ذلت نمی‌پذیرد؛ زیرا عزت‌خواهی، ریشه در فطرت و ایمان انسان دارد و اگر انسان را از عزت نفسش جدا کنند، از انسانیت و ایمانش چیزی باقی نخواهد ماند. امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَوَّضَ إِلَى الْمُؤْمِنِ أُمُورَهُ كُلَّهَا وَلَمْ يَفْوُضْ إِلَيْهِ أَنْ يُدَلَّ نَفْسَهُ... وَالْمُؤْمِنُ يَتَّبِعِي لَهُ أَنْ يَكُونَ عَزِيزًا وَلَا يَكُونَ ذَلِيلًا».^۲

۱. بیانیه گام دوم انقلاب.

۲. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۵، ص ۶۴.

خداوند عزیز و شکوهمند، تمام امور مؤمن را به خود او واگذار کرده، ولی به او اجازه نداده است که ذلیل باشد». بر این اساس عزت خواهی از غیر خدا، ذلت است: «وَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا»^۱. چنانکه امام علی علیه السلام فرمود: «الْعَزِيزُ بَعِيرُ اللَّهِ ذَلِيلٌ»^۲.

متأسفانه امروزه ذلت، گریبانگیر حاکمان برخی کشورهای اسلامی شده؛ به گونه‌ای که بدون اجازه رهبران کفر، آب از گلویشان پایین نمی‌رود و کشوری مانند عربستان، عزت و اقتدار خود را در حمایت صاحبان قدرت جستجو می‌نماید. این در حالی است که طبق آموزه‌های قرآن، قبول سرپرستی منافقان، ظالمان و کافران، موجب ذلت است: «بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا»^۳ به منافقان بشارت ده که مجازات دردناکی در انتظار آن‌هاست».

۲. پایبندی به اسلام و ارزش‌های اسلامی

درباره اهداف قیام امام حسین علیه السلام، دیدگاه‌های مختلفی ارائه شده است. برخی هدف امام علیه السلام را امر به معروف و نهی از منکر، برخی دعوت مردم و برخی دیگر تشکیل حکومت دانسته‌اند، اما در حقیقت هدف اصلی قیام امام علیه السلام، حاکمیت اسلام و ارزش‌هاست؛ چنانکه امام علیه السلام فرمود:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنِ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَافَسَةً فِي سُلْطَانٍ، وَلَا التَّمَسَّاسِ شَيْءٍ مِنْ فَضُولِ الْخَطَامِ؛ وَ لَكِنْ لِنُرْدَ الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ، وَ نُظْهِرَ الْإِصْلَاحَ

۱. مریم: ۸۱: «و آنان غیر از خدا، معبودانی را برای خود برگزیدند تا مایه عزتشان باشد! (چه پندار خامی!)».

۲. محمد باقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۷۵، ص ۱۰.

۳. نساء: ۱۳۹.

فِي بِلَادِكُمْ؛ قِيَامَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكُمْ؛ وَ تَقَامَ الْمُعْظَلَةُ مِنْ حُدُودِكُمْ.^۱
 خدایا تو می‌دانی که آنچه را ما [در امر حکومت] انجام دادیم، نه به خاطر به دست آوردن سلطنت و مقام بود و نه برای رسیدن به متاع پست دنیا؛ بلکه به خاطر این بود که نشانه‌های محو شده دینت را بازگردانیم و بر پا سازیم و اصلاح را در شهرهای تو آشکار کنیم تا بندگان ستم‌دیده‌ات [از ظلم ظالمان] ایمن گردند و حدود و قوانین تعطیل شده‌ات اقامه و اجرا شود.

امام حسین علیه السلام برای تحقق این هدف، از روش شعار و ابزارهای متفاوتی استفاده نمود، اما آنچه در قیام حضرت موضوعیت داشت، حاکمیت دین و سنت بود که در پرتوی این دو، حق، عدالت، آزادی و مبارزه با منکر و ... شکل می‌گیرد؛ از همین رو بود که امام حسین علیه السلام به منظور حاکمیت دین و سنت، در قالب امر به معروف و نهی از منکر قیام کرد و از سنت‌شکنی و دین‌ستیزی یزید و امویان^۲ سخن گفت: «فَإِنَّ السُّنَّةَ قَدْ أُمِيتَتْ وَإِنَّ الْبِدْعَةَ قَدْ أَحْيِيَتْ».^۳ انقلاب اسلامی نیز با الهام از قیام کربلا، به منظور پاسداری از دین و ارزش‌ها شکل گرفت؛ زیرا رهبران دین‌ستیز کمر به نابودی دین بسته بودند، از این رو امام خمینی علیه السلام در دوران مبارزه با رژیم طاغوت فریاد برآورد: «... ای سران اسلام به داد اسلام برسید، ای علمای نجف به داد اسلام برسید، ای علمای قم به داد اسلام برسید؛ رفت اسلام».^۴

۱. محمد باقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۳۴، ص ۱۱۱.

۲. ابومخنف کوفی؛ وقعة الطف؛ ص ۱۰۷.

۳. همان، ص ۱۷۳: «مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا...».

۴. سید روح الله موسوی خمینی؛ صحیفه نور؛ ج ۱، ص ۱۰۲ - ۱۰۶.

پایبندی مردم به اسلام، عزت اسلام، حقانیت مبانی فکری، مبارزه استکبار و دفاع از مظلومین را به همراه خواهد داشت؛ چنانکه امام علی علیه السلام فرموده است: «كُلُّ عَزْزٍ لَا يُؤَيِّدُهُ دِينَ مَذَلَّةٌ»^۱ هر عزتی که دین تأییدش نکند، خواری است». امروزه دین در دنیا زنده و عزتمند است و این امر به رهبری امام خمینی علیه السلام و پایبندی مردم به دین به وجود آمد؛ هم‌چنانکه مقام معظم رهبری فرمود: «او [امام خمینی علیه السلام] به اسلام عزت بخشید و پرچم قرآن را در جهان به اهتزاز درآورد. او ملت ایران را از اسارت بیگانگان نجات داد و به آنان غرور و شخصیت و خودباوری بخشید...»^۲ بنا بر آمارها، تقریباً ۷۰ درصد مردم اروپا احساس دینداری می‌کنند و انقلاب اسلامی ایران موجب احیای تفکر دینی در جهان شده است.^۳ پرفسور اسماعیل کیلیس^۴ درباره عزت و احیای دین می‌گوید:

دین زنده شده است، کلیساها جان تازه گرفته‌اند، توجه به مذهب و اندیشه‌های مذهبی در دانشگاه‌ها دیگر زشت و کم‌بها تلقی نمی‌شود. زیبایی‌های معنوی در زندگی روزمره مورد بازیابی قرار گرفته است، جهان برای نجات و زیبا کردن روابط اجتماعی‌اش به قدرت دین و جاذبه‌های معنوی گرایش شدید پیدا کرده است و این همه ناشی از

۱. علی بن محمد لیثی واسطی؛ *عیون الحکم و المواعظ*؛ ص ۳۷۶.

۲. پیام به ملت شریف ایران در تجلیل از امام امت، ۱۳۶۸/۰۳/۱۸.

<http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=۲۰۷۹>

۳. باشگاه خبرنگاران جوان؛ «امام خمینی علیه السلام در نگاه صاحب‌نظران شرق و غرب»؛

<https://www.yjc.ir/fa/news/۵۲۲۰۴۷۹>. ۱۳۹۴/۰۳/۱۳

۴. فیلسوف اسپانیایی (Ismail Kilbos)

دعوت نوینی بوده که امام خمینی علیه السلام با انقلاب دینی‌اش در عرصه افکار و ذهنیت جامعه جهانی آغاز کرد.^۱

۳. گسترش فرهنگ ایثار و شهادت

یکی از راه‌های حفظ عزت، گسترش فرهنگ ایثار و شهادت است؛ چنانکه یاران امام حسین علیه السلام در شب عاشورا آمادگی خود را برای ایثار و شهادت اعلام کردند. مسلم بن عوسجه به امام عرض کرد: «هرگز از تو جدا نخواهم شد. اگر سلاحی برای جنگ با آنان هم نداشته باشم، با سنگ با آنان خواهم جنگید تا همراه تو به شهادت برسم».^۲ مردم ایران نیز با الهام از فرهنگ ایثار و شهادت‌طلبی امام حسین علیه السلام و یارانش، علیه شاه مبارزه کردند و تعداد زیادی از مردم به‌ویژه جوانان به شهادت رسیدند. برخی جوانان دیگر آرزوی شهادت می‌کردند، چنان‌چه جوانی در وصیت‌نامه خود نوشته بود: «احساس می‌کنم که روحم عوض شده است و مرا حال دیگری است. نمی‌دانم چرا وقتی سر به سجده می‌گذارم، بی اختیار گناهانم در خاطرم زنده می‌شود و اشک‌هایم مهر نماز را می‌شوید و در آن حال نمی‌دانم که چه هستم و کجا هستم؟ خدایا! چگونه شکر تو را به جای آورم که مرا رهرو راه حسین علیه السلام که همانا راه خون و شهادت است، قرار دادی!».^۳ جوانان عزتمند کشور در طول هشت سال دفاع مقدس، ثابت کردند که برای حفظ دین، حاضرند جان خود را فدا کنند. بنابراین حفظ روحیه ایثار و

۱. باشگاه خبرنگاران جوان؛ «امام خمینی علیه السلام در نگاه صاحب‌نظران شرق و غرب»؛

<https://www.yjc.ir/fa/news/5220479.1394/03/13>

۲. جواد محدثی؛ پیام عاشورا؛ ص ۳۴.

۳. «خاطراتی سبز از یاد شهیدان»؛ مجله پاسدار اسلام؛ شماره ۲۶۶، بهمن‌ماه ۱۳۸۲.

جهاد برای بقای جامعه عزتمند، ضروری است؛ زیرا تقابل عزت و ذلت، تاریخ مصرف ندارد و عزت با جهاد گره خورده است. چنانکه امام علی علیه السلام فرمود: «وَالْجِهَادَ عِزًّا لِلْإِسْلَامِ»^۱.

اگر روحیه شهادت طلبی و جهاد در افراد جامعه‌ای نباشد، آن جامعه سرنوشتی ذلت بار خواهد داشت؛ چنانکه امام علی علیه السلام می فرماید: «جهاد در راه خدا، دری از درهای بهشت است که خداوند آن را بر دوستان خاص خود گشوده است. جهاد، لباس تقوا، زره محکم و سپر مطمئن خداوند است. کسی که جهاد را ناخوشایند دانسته و ترک کند، خداوند لباس ذلت و خواری را بر او می پوشاند»^۲.

۴. معنویت و اخلاق گرایی

معنویت و اخلاق، دو بالی بود که قیام امام حسین علیه السلام را جاودانه کرد. معنویت گرایی امام حسین علیه السلام و یارانش در شب عاشورا به اوج خود رسید. حضرت و یارانش تمام شب را به نماز، تسبیح، استغفار، دعا و تضرع مشغول بودند.^۳ راوی می گوید: «از کنار خیمه‌های اردوگاه امام حسین علیه السلام گذر کردم. صدای زمزمه، و راز و نیاز آنان همانند صدای زنبور عسل به گوش می رسید. برخی در حال رکوع، جمعی در سجده و گروهی ایستاده و نشسته به عبادت مشغول بودند»^۴. امام علیه السلام نیز در آخرین لحظه‌های زندگی عرضه داشت: «خدایا! بر تقدیر تو صبورم، معبودی جز تو نیست، بر حکم تو صابرم؛ ای پناه بی پناهان»^۵.

۱. محمد بن علی صدوق؛ کتاب من لا یحضره الفقیه؛ ج ۳، ص ۵۶۸.

۲. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۵، ص ۴.

۳. احمد بن یحیی بلاذری؛ جمل من أنساب الأشراف؛ ج ۳، ص ۳۹۴.

۴. ابن طاووس؛ اللهوف علی قتلی الطفوف؛ ص ۹۴.

۵. عبد الرزاق موسوی مفرم؛ مقتل الحسین علیه السلام؛ ص ۳۵۷.

در انقلاب اسلامی نیز معنویت‌گرایی امام علیه السلام و مردم، عامل تعیین‌کننده سرنگونی رژیم شاه، استقلال، عزت‌مندی و خروج نیروهای بیگانگان از ایران بود. از سوی دیگر انقلاب اسلامی را کسی رهبری می‌نمود که طلایه‌دار معنویت بود. مقام معظم رهبری در این باره فرمود: «ایشان تا آخرین لحظات حیاتشان، ذکر و نماز و دعا را از دست ندادند ... بعد از اتمام نماز [ظهر و عصر] مشغول ذکر گفتن شدند و تا لحظاتی که در حالت اغما به سر می‌بردند، مرتب پشت سر هم می‌گفتند: سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر»^۱.

معنویت امام علیه السلام به گونه‌ای بود که اندیشمندان غرب را تحت تأثیر قرار داد. هنری کسینجر^۲ می‌گوید:

آیت الله خمینی، غرب را با بحران جدی برنامه‌ریزی مواجه کرد؛ تصمیمات او آنچنان رعدآسا بود که مجال هر نوع تفکر و برنامه‌ریزی را از سیاست‌مداران و نظریه‌پردازان سیاسی می‌گرفت. او با معیارهای دیگری غیر از معیارهای شناخته شده در دنیا سخن می‌گفت و عمل می‌کرد، گویی از جای دیگری الهام می‌گرفت. دشمنی آیت الله خمینی با غرب، برگرفته از تعالیم الهی او بود.^۳

روبین وود زورث^۴ درباره ملاقاتش با امام خمینی علیه السلام می‌نویسد:

احساس می‌کردم که از لابه‌لای آن گردبادی از نیروی معنوی می‌وزد.

۱. بیانات در مراسم بیعت فرماندهان کمیته‌های انقلاب اسلامی، ۱۸/۰۳/۱۳۶۸.

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۰۸۰>

۲. مشاور سابق رئیس‌جمهوری آمریکا.

۳. خبرگزاری صدا و سیما؛ «نظر اندیشمندان، رسانه‌های غربی درباره امام خمینی و

انقلاب اسلامی»؛ ۱۸/۰۵/۱۳۹۵. ۱۴۹۰۳۰۷. <http://www.iribnews.ir/fa/news/۱۴۹۰۳۰۷>

۴. خبرنگار آمریکایی.

گویا در ورای آن عبای قهوه‌ای، عمامه مشکی و ریش سفید، روح زندگی جریان داشت؛ به طوری که همه بینندگان را محو تماشای خود می‌کرد. در آن هنگام حس کردم که با حضور او همه ما کوچک شده‌ایم و گویا در سالن، کسی جز او باقی نمانده است. آری، او بارقه‌ای از نور بود که در قلب و روح همه حضار رسوخ کرده بود. او تمام معیارهایی را که گمان می‌کردم می‌توانند مرا در تعریف و ارزیابی شخصیت و مقامش یاری کنند، در هم شکست. او با حضور خود، آنقدر در ما تأثیر گذارد که احساس کردم تمام روح و جسمم را فرا گرفته است... کمترین چیزی که می‌توانم بگویم، این است که گویا او، یکی از انبیای گذشته است و یا اینکه او موسای اسلام است و آمده تا فرعون کافر را از سرزمین خود براند.^۱

۵. نهاده‌سازی امر به معروف و نهی از منکر

ایجاد و حفظ عزت اسلام، در گرو امر به معروف و نهی از منکر است؛ زیرا این دو عنصر مانند جریان خون در رگ‌های یک پیکر است. ترک و سهل‌انگاری در این باره، بی‌رنگ شدن دین و مرگ تدریجی امت اسلامی را به دنبال خواهد داشت. متأسفانه امروزه این فریضه الهی بار دیگر فراموش شده و مردم در برابر آن، بی‌تفاوت شده‌اند و در برابر ناهنجاری‌هایی مانند بدحجابی عکس‌العملی نشان نمی‌دهند. بی‌تفاوتی یک ملت نسبت به مفاسد و ستم‌ها، نشان مرگ آن جامعه است. جامعه‌ای که غیرت دینی را از دست داده باشد و نسبت به خوب و بد اوضاع، بی‌تفاوت باشد، مُرده است. نتیجه این بی‌تفاوتی

۱. پایگاه جامع تاریخ معاصر ایران؛ «استثنایی به نام امام خمینی».

نیز همان چیزی خواهد شد که در سخن گهربار امام رضا علیه السلام آمده است: «لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ لَيْسَتْ عَمَلَنَّ عَلَيْكُمْ شِرَارُكُمْ فَيَدْعُو خِيَارَكُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ»^۱ باید هر یک از شما امر به معروف و نهی از منکر نمایید، و گر نه شروترین افراد بر شما تسلط یافته و آنچه که خوبان شما دعا و نفرین کنند، مستجاب نخواهد شد».

شهید مطهری رحمته الله در توضیح این روایت می‌نویسد:

وقتی امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند، آنقدر پست می‌شوند و آنقدر رعبشان، مهابتشان، عزتشان، کرامتشان از بین می‌رود که وقتی به درگاه همان ظلمه می‌روند، هر چه ندا می‌کنند، به آنها اعتنا نمی‌شود.

بنابراین برای حفظ عزتمندی، باید همه افراد جامعه امر به معروف و نهی از منکر کنند؛ زیرا سبب رستگاری جامعه می‌شود: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^۲ باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آنها همان رستگارانند».

۶. مبارزه با رفاه‌طلبی

یکی دیگر از روش‌های حفظ عزتمندی، مبارزه با تجمل‌گرایی است. برای حفظ عزتمندی، باید از برخی امکانات رفاهی چشم پوشد و بعضی از محرومیت‌ها را با جان و دل پذیرفت. در روایات نیز از قناعت به عنوان وسیله عزت یاد شده است. امام علی علیه السلام فرمود: «لَا أَعَزَّ

۱. محمد بن یعقوب کلینی؛ *الکافی*؛ ج ۵، ص ۵۶.

۲. آل عمران: ۱۰۴.

مِنْ قَانِعٍ: هیچ کس عزیزتر از فرد قانع نیست». در مقابل، اسراف، تجمل و مصرف‌گرایی، وسیله ذلت معرفی شده است. بنا بر داده‌های تاریخی، ملتی می‌تواند به خودکفایی اقتصادی و پیروزی برسد که بر خود سخت بگیرد و ذلت زودگذر را فدای عزت پایدار نماید. کوزه چشم حریصان پر نشد

تا صدف قانع نشد، پر دُر نشد^۲

۷. استکبارستیزی

از دیگر شاخصه‌های عزتمندی، استکبارستیزی است. روحیه استکبارستیزی امام خمینی^{علیه‌السلام} سبب شد که هرگز با شاه مذاکره نکرد و در مقابل استکبار مثل کوه ایستاد؛ زیرا عقلانیت و دین‌مداری امام، او را به این نتیجه رساند که در مقابل دشمن، عقب‌نشینی نکند.^۳ امام^{علیه‌السلام} در طول دوران مبارزه، تلاش نمود تا این حقیقت را برای ملت آشکار کند که راه سرافرازی، عزت و دستیابی به استقلال، آزادی و عدالت، در گروه استقامت و ایستادگی در برابر استکبار جهانی و در رأس آن، آمریکای جنایتکار است. رهبر کبیر انقلاب اسلامی با این اعتقاد که «همه بدبختی ما از آمریکاست»، خوی تجاوزگری آمریکا و ضرورت مبارزه و عدم رابطه با استکبار را برای همگان تبیین کرد و فرمود: «این مثل رابطه بره با گرگ است! رابطه بره با گرگ، رابطه صلاحمندی

۱. عبدالواحد تمیمی آمدی؛ تصنیف غرر الحکم و درر الکلم؛ ص ۳۹۲.

۲. جلال الدین محمد مولوی بلخی؛ مثنوی معنوی؛ دفتر اول، بیت ۲۱.

۳. خبرگزاری تسنیم؛ «غیرت، عزت و مقاومت در الگوی امام خمینی^{علیه‌السلام}»؛

برای بره نیست. اینها می‌خواهند از ما بدوشند، اینها نمی‌خواهند به ما چیزی بدهند.^۱ همچنین ایشان فرمود: «آمریکا دشمن شماره یک مردم محروم و مستضعف جهان است».^۲

امروزه نیز استکبارستیزی سبب اقتدار ما شده است؛ چنانکه رهبر معظم انقلاب در دیدار با نخست وزیر ژاپن، رئیس جمهور آمریکا را لایق مذاکره ندانست. این عزتمندی نتیجه پیروی از سیره امام حسین (علیه السلام) است که فرمود: «شگفتا! زنازاده فرزند زنازاده مرا بین یکی از دو چیز مجبور کرده است، بین مرگ و ذلت (تسلیم) و هیئات که ما خواری را بپذیریم».^۳ بنابراین رهبر عزت‌گرا و استکبارستیز، می‌تواند جامعه را از سلطه بیگانگان نجات داده و مردم را به عزت فرا خواند؛ چنانکه امام (علیه السلام) فرمود:

شما نمی‌توانید بگویید که ایران باید قدرتمند باشد و قدرتمند است و اگر شاه برود، قدرت از بین می‌رود. ما می‌خواهیم که این کسی که این ضعف را برای ایران آورده، قدرت را به هدر داده است، این برود.^۴

همچنین امام درباره ذلت رضاشاه فرمود:

من یک وقتی که در یک عکسی که در سال‌های سابق دیدم که محمدرضا پهلوی مقابل یکی از روسای جمهور آمریکا ایستاده بود که الآن اسم او را یادم نیست [لیندون جانسون] من دیدم مثل یک

۱. سید روح الله موسوی خمینی؛ صحیفه امام؛ ج ۱۰، ص ۳۶۰.

۲. همان، ج ۱۳، ص ۲۱۲.

۳. ابن طاووس؛ اللهوف علی قتلی الطفوف؛ ص ۹۷.

۴. سید روح الله موسوی خمینی؛ صحیفه امام؛ ج ۵، ص ۹۷.

عبد ضعیف ایستاده است در مقابل یک قدرتمند؛ عینک برداشته است این‌طور و اصلاً به او نگاه نمی‌کند، نگاهش را به آن طرف انداخته است و این هم مثل یک بچه مکتبی مقابل معلم ایستاده است و من این قدر ناراحت شدم که وضع ما به اینجا رسیده است که یک کسی که دارد به ما حکومت می‌کند، سلطنت می‌کند، در مقابل... یک اجنبی که احتیاج دارد به این کشور، احتیاج دارد به سرمایه‌های این کشور، این‌طور بایستند.^۱

۸. افزایش توان علمی و نظامی

یکی دیگر از راه‌های حفظ عزت و اقتدار جمهوری اسلامی، افزایش توان نظامی است؛ زیرا قدرت نظامی، عامل مهم بازدارنده از تجاوز دشمن است. فلسفه فراخوانی قرآن به قدرت نظامی نیز همین است: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ»^۲ هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [دشمنان] آماده سازید و [همچنین] اسب‌های ورزیده [برای میدان نبرد]، تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید.

امروز قدرت بازدارندگی یک کشور، محدود به ابزار نظامی نیست؛ بلکه دانش سبب اقتدار ملی می‌شود. از این روست که در منظومه ساختاری استعماری امروزه، تکنولوژی و علم موجب تسلط یک کشور بر کشور دیگر می‌شود. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «علم، قدرت و

۱. همان؛ ج ۱۵، ص ۴۳۱.

۲. انفال: ۶۰.

اقتدار است. هر کس به آن دست یافت، فرمانرواست. کسی که بدان دست نیافت، فرمانبر خواهد بود»^۱.

۱. ابن ابی الحدید؛ شرح نهج البلاغه؛ ج ۲۰، ص ۳۱۹.